

■ **آبان سال گذشته، بانک چینی «کولون» اصلی ترین کانال رسمی برای جریان مالی بین ایران و چین، در آستانه دور جدید تحریم‌های ایران به علت ریسک تحریم‌های ثانویه آمریکا، به طور شفاهی به مشترکانش اعلام کرد که دیگر پرداخت‌های ایرانیان را از اول نوامبر قبول نمی‌کند، اما همچنان مبادلات مالی فعالان تجاری با این بانک با وجود موانع ادامه داشت. اکنون در تازه ترین خبرها از سوی نایب رئیس اتاق بازرگانی اعلام شده که این بانک تا پایان سال جاری میلادی معاملات بانکی خود را با ایران تنها با استفاده از یوان چین و با رعایت کامل تحریم‌های آمریکا در خصوص کالاها، اشخاص، شرکت‌های حمل و نقل و بانک‌ها ادامه خواهد داد. این خبر تا چه اندازه صحت دارد و آیا امکان جایگزینی کانال جدید در این زمینه وجود دارد؟**

کولون بانک چین در چارچوب تحریم‌ها همواره با ایران همکاری داشته است. این بانک اکنون در حال فعالیت است و فعالان اقتصادی از طریق آن مبادلات بانکی خود را انجام می‌دهند. مشخص نیست چرا برخی خبر می‌دهند که قرار است این ارتباط دوباره برقرار شود. ارتباط ایران با بانک کولون چین هیچ‌گاه قطع نشده و این ارتباط با رعایت چارچوب تحریم‌ها برقرار است. کولون در واقع همان بانکی است که چین در زمان تحریم‌های پیش از توافق هسته‌ای، برای ممکن ساختن تراکنش‌های مالی با ایران، راه‌اندازی کرده بود. این بانک سال ۲۰۰۹ با سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت ملی نفت چین ایجاد شد و سرمایه آن از طریق صادرات نفتی ایران به چین تامین می‌شد. وزارت خزانه‌داری آمریکا در سال ۲۰۱۲ این بانک را تحریم کرد، اما از آنجا که با کشورهای اروپایی و به ویژه با آمریکا همکاری اقتصادی نداشت، توانست به کار خود ادامه دهد.

بعد از اتفاقات ۴ نوامبر که وارد مرحله جدیدی از برجام شدیم روابط بانکی ما و چین متأثر از این اتفاق باید باز طراحی می‌شد، بر این اصل بعد از این تاریخ نقل و انتقال مالی میان ایران و چین از طریق کولون بانک به عنوان تنها بانک طرف مبادله با بانک‌های ایرانی، آغاز شد، اما ما موانعی همراه بود که در شرایط تحریم قابل پیش بینی است. حتی در مقطعی اختلال جدی در مبادله بانکی میان دو کشور به وجود آمد و حدود دو میلیارد دلار تقاضای انباشته وجود داشت؛ اما فرآیند مبادلات در جریان بود زیرا ایران در ماه یک میلیارد دلار واردات از چین دارد. از اردیبهشت سال گذشته که بحث تحریم‌ها مطرح و این موضوع جدی شد اگرچه انرژی در برقراری ارتباطات بانکی با این بانک چینی به جا گذاشت، اما هیچ‌گاه این مسائل موجب نشد که ارتباط ما با کولون بانک چین، قطع شود.

در واقع از سال ۲۰۱۱ تاکنون مبادلات تجاری ما از کانال‌های رسمی بانکی فقط از طریق کولون بانک چین انجام شده است و بر این اساس فعالان اقتصادی می‌توانند از طریق بانک‌های عامل معاف از تحریم در داخل کشور، پیگیر مرادات با این بانک چینی باشند. معاملات بانکی ایران با کولون بر اساس فهرست تحریم‌ها شامل اشخاص، نهادها و برخی کالاها برقرار است. در واقع این بانک با این قاعده تحریمی عمل می‌کند و غیر از آن فهرست و خارج از چارچوب تحریم‌ها هیچ‌گونه ارتباطی برقرار نیست. توجه به این نکته ضروری است که کولون بانک چین یکی از معدود راه‌های ارتباطی ما برای برقراری تجارت جهانی است.

از سوی دیگر چین در روابط راهبردی با آمریکا سعی در حفظ منافع خود در جریان تحریم‌ها علیه ایران دارد و نظر به اینکه بخشی از منابع مالی کولون بانک از جریان خرید و فروش نفت است این امر نیز می‌تواند در روند کار این بانک با طرف‌های ایرانی تاثیر گذار باشد. از آنجا که در حال حاضر کلیه فعالیت‌های تجاری ما از طریق کولون بانک انجام می‌شود بعید است که در کوتاه مدت اراده‌ای برای تغییر یا جایگزینی این صندوق وجود داشته باشد زیرا حداقل سرویس‌های تجاری را ارائه می‌کند.

■ **چین می‌تواند یکی از مقاصد فروش نفت ایران در بازار خاکستری نفت باشد، این کشور همواره یکی از مشتریان عمده نفتی ایران بوده و پس از برجام به طور متوسط روزانه ۸۰۰ هزار بشکه نفت از ایران وارد کرده است، اما پیش از ماه نوامبر سال قبل و اجرایی شدن تحریم‌ها واردات نفت چین از ایران به کمترین حد پس از برجام رسید تا جایی که در ماه اکتبر سال گذشته چین روزانه به طور متوسط ۲۵۰ هزار بشکه نفت وارد کرد، اما در آستانه اتمام معافیت ۶ ماهه تحریم‌های نفتی رقم صادرات نفت ایران به این کشور نسبت به ماه قبل ۳۳ درصد رشد داشته است؛ با توجه به این نوسان خرید و بحث تحریم‌های نفتی آیا چین در صدد جایگزینی خرید نفت از روسیه به جای ایران است؟**

در جریان دیدار وزیر امور خارجه ایران از چین مقامات این کشور مخالفت خود را با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا کردند، ضمن اینکه پس از خروج آمریکا از برجام و شروع تحریم‌ها نیز بارها مخالفت خود را اعلام کرده بودند. موضع مشترک ایران و چین مبنی بر حفظ برجام مسود توافق دو طرف است و برای تداوم آن به دنبال روش‌های عینی تضمین منافع دو کشور هستند. در این زمینه طرف چینی تاکید کرده که روابط چین با ایران، بر اساس توافق دو رئیس جمهور، روابط جامع راهبردی است که متأثر از شرایط بیرونی نخواهد بود و به صورت دو جانبه ادامه خواهد یافت.

از سوی دیگر چین به عنوان بزرگترین مصرف کننده انرژی، برای تداوم رشد اقتصادی خود نیازمند واردات انرژی از منابع مختلف و مسیرهای مطمئن است. چین پیش از این نیز اعلام کرده بود که اگر بتواند نفت را با یوان از ایران بخرد مشکلی نخواهد داشت. چین به طور ویژه در بحث خرید نفت تحریم‌های آمریکا را در آینده نیز نادیده خواهد گرفت و همچنان به خرید نفت از ایران ادامه خواهد داد؛ زیرا نفت ایران ارزان و با کیفیت است و پالایشگران چینی ترجیح می‌دهند از این نوع نفت استفاده کنند و مورد دیگر اینکه موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که نفت ارزان تری را در اختیار چینی‌ها قرار می‌دهد تا جایی که در چند ماه نخست سال ۲۰۱۹، چین تقریباً نیمی از نفت صادراتی ایران را خریده است.

چین در سال ۲۰۱۹ به روزانه ۱۳ میلیون بشکه نفت نیاز دارد و با توجه به اینکه ۴ میلیون بشکه نفت را از ذخایر داخلی تامین می‌کند، به واردات حداقل ۹ میلیون بشکه نفت در روز نیاز خواهد داشت؛ روشن است که منابع تامین نفت چین، روسیه و اعضای اوپک هستند اما روسیه نمی‌تواند تنها تامین کننده باشد چون داشتن تنها یک منبع، مطمئن نیست. بنابراین در مقایسه با کشورهای عضو اوپک، ایران تنها کشوری است که می‌تواند ظرف مدت ۱۴ روز سوپرنفتکش‌های خود را به بنادر چین برساند.

چین بزرگترین خریدار نفت ایران است که تا پیش از خروج آمریکا از برجام روزانه نزدیک به ۶۶۰ هزار بشکه نفت از ایران خریداری می‌کرد؛ اما دولت آمریکا بعد از



اعمال تحریم‌ها و در زمان معافیت‌ها، میزان معافیت این کشور را حدود ۳۶۰ هزار بشکه در روز اعلام کرد.

این میزان معافیت جدا از پروژه‌هایی است که شرکت‌های چینی در قالب پروژه‌های همکاری در استخراج نفت از ایران صاحب می‌شوند و برای مصرف به پالایشگاه‌های داخلی منتقل می‌کنند.

در زمینه فروش نفت به چین ما رکورد ۷۵۰ هزار بشکه در روز را بعد از برجام ثبت کرده‌ایم، اما این به مفهوم این نیست که اکنون فروش نفت متوقف شده و یا کاهش چشمگیری داشته است. ما در شرایط عادی حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز فروش داریم، اما در شرایط تحریم به دلیل اختلالاتی که در معاملات نفتی با دنیا وجود دارد و این مورد در خصوص چین هم صادق است این ارقام ممکن است با نوساناتی همراه باشد. اما اینکه

رقم واقعی صادرات نفت چقدر است در وجه اول گفتنی نیست و این مواردی هم که ذکر می‌شود از منابع خارجی است که با ردگیری نفت کش‌ها اعلام می‌کنند. بر این اصل تنها خبر موقتی در مورد میزان فروش نفت را باید از وزارتخانه مربوطه دریافت کرد که به مصلحت شرایط تحریمی وزارت نفت رقم درست را

اقتصاد چین به گونه‌ای طراحی شده که مکمل اقتصادهای انرژی محور است. به اعتقاد من هیچ نوع تنش یا تحول سیاسی نمی‌تواند اقتصاد ما را که انرژی محور است از اقتصاد چین جدا کند و این دو مکمل یکدیگرند

نایب رئیس اول اتاق ایران و چین در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»:

چین پل عبور از تحریم‌ها در صورت بدعهدی اروپایی‌ها

تا امروز هیچ اتفاقی بر رابطه تجاری ما با چین اثر منفی نداشته است



نایب رئیس اول اتاق ایران و چین از جمله فعالان اقتصادی است که تاکید دارد بسیاری از استراتژی‌ها و راهکارهای بی‌اثر کردن تحریم‌ها نباید در مص با «توسعه ایرانی» نیز ضمن احاطه به موضوع پرسش‌ها، در پاره‌ای موارد با صراحت بیان یاد آور شد که منافع ملی در عدم پاسخگویی است.

مجید رضا حریری معتقد است بعد از امضای توافق نامه برجام، گرایش دستگاه دیپلماسی به سمت اروپایی‌ها بود و همین امر باعث شد تا برخی شرکا قرار دادها و مذاکرات دعوت شوند؛ اما با خروج آمریکا از برجام و عدم پایبندی طرف اروپایی به تعهدات خود، دوباره اقبال ایران به همکاری اقتصادی نشان می‌دهد طرف چینی برای حمایت از ایران در عبور از تحریم‌ها از ثبات بیشتری برخوردار است. وی همچنین اعتقاد دارد در حال حاضر که چین ایالات متحده قرار دارد و اعمال تعرفه‌ها بر کالاها چینی رو به افزایش است؛ دو کشور ایران و چین می‌توانند متحد خوبی برای مقابله با زور گوی‌ها دید سیاستگذاران کشور در قبال تداوم و توسعه تجارت با بزرگترین شریک تجاری خود کدام استراتژی را در پیش خواهند گرفت؟

تجاری رشد اقتصادی چین ۰.۵ و رشد اقتصادی آمریکا ۰.۲ درصد می‌تواند رشد داشته باشد. تحلیلگران پیش‌بینی کرده‌اند که تجارت جهانی قربانی این بازی تعرفه‌ای دو کشور چین و آمریکا خواهد شد. اعمال تعرفه‌ها از سوی آمریکا روی کالاهای چینی رو به افزایش است و در سایه ناامنی مبادلات جهانی روز به روز کاهش می‌یابد.

صندوق بین‌المللی پول زنگ خطر را در باره عواقب تنش‌های تجاری این دو کشور به صدا در آورده و هشدار داده که جنگ اقتصادی دو کشور آمریکا و چین برای رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۹ بسیار خطرناک خواهد بود، چرا که می‌تواند اعتماد بازار را سلب کرده و قیمت را برای مصرف کنندگان افزایش دهد. حال در شرایطی که هم ایران و هم چین در جنگ اقتصادی با آمریکا قرار دارند می‌توانند متحد خوبی برای مقابله با زور گوی‌های ترامپ باشند. در این شرایط باید دید سیاست‌گذاران چه استراتژی‌ای را در قبال تداوم و توسعه تجارت با بزرگترین شریک تجاری خود در پیش خواهند گرفت.

مادر شرایط عادی اقتصادی و بین‌المللی نیستیم و بنابراین نیاز است که یک اتاق جنگ اقتصادی تشکیل شود تا تمامی فرماندهان اقتصادی و ذی‌نفعان در آن تصمیم بگیرند و مجریان آنها اجرا کنند باشند. زیرا در این شرایط تئوری‌های اقتصاد و بازار جواب نمی‌دهد

اعلام نمی‌کند. بر این اساس از آنجا که فروش نفت ایران در شرایط تحریمی است و بخشی از آن راه غیر مستقیم به فروش می‌رسد ما به عنوان بخش خصوصی و اتاق بازرگانی ایران و چین از حدود فروش نفت اخبار دقیق و درستی نداریم و نمی‌خواهیم که در این زمینه اطلاعاتی داشته باشیم زیرا آنچه که برای ما در درجه اول اولویت قرار دارد این است که مناسبات تجاری که امکان ادامه پیدا کند. اما در مورد جایگزینی خرید نفت روسیه به جای ایران نیز باید گفت که خطر این الترناتیو همیشه وجود دارد. روسیه می‌تواند بخشی از بازار از دست رفته ما را بگیرد زیرا اقتصاد روسیه تکنولوژی محور نیست و نمی‌تواند صادر کننده تکنولوژی به دنیا باشد مانند کاری که چین و آمریکا می‌کنند. در واقع محصول اقتصاد روسیه تقریباً همان چیزهایی است که ما در بازارهای صادراتی داریم یعنی مواد اولیه معدنی، گاز و نفت بر این اساس روسیه همیشه یک رقیب قدرتمند برای ما در منطقه به حساب می‌آید، ولی توجه به این نکته حائز اهمیت است که مقامات چینی به حفظ روابط تجاری خود با ایران تاکید دارند.

■ **جنگ تجاری بین چین و آمریکا و تحریم‌های آمریکا در حوزه تکنولوژی و فناوری علیه شرکت‌های آوی تا چه اندازه می‌تواند این خوش‌بینی را به وجود آورد که چین در رو بگرد جدید خود نسبت به مبادلات تجاری با ایران مثبت تر عمل کند؟**

همان‌طور که می‌دانید در حال حاضر، چین درگیر یک جنگ تعرفه‌ای با ایالات متحده آمریکا است که حدود ۶۰۰ میلیارد دلار به تولید ناخالص جهانی آسیب وارد می‌کند. این در حالی است که بدون جنگ

اما در پاسخ به اینکه این جنگ چه تأثیری بر مبادلات ایران و چین و تغییر رویکرد این کشور نسبت به ما دارد، باید اشاره کنم که جنگ تجاری چین و آمریکا خیلی نمی‌تواند در روابط میان ما-چین با آمریکا تاثیر گذار باشد، زیرا جنگی است که رقم آن حدود ۶۰۰ میلیارد دلار مبادله در سال است و این در حالی است که کل مبادله تجاری ما با چین حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار در نوسان است که در مقایسه بسیار ناچیز است.

ضمن اینکه چین هم رسماً اعلام کرده که نمی‌خواهد این جنگ را به سایر نقاط دنیا تعمیم بدهد و این موردی است که باید بین دو کشور حل شود. روابط مستقیم تجاری چین و آمریکا ۲۰ برابر بیشتر از روابط ما با چین است؛ بر این اصل ما در حوزه تجارت خارجی خیلی نمی‌توانیم برای این کشور موثر باشیم و از سوی دیگر از تیرگی روابط تجاری بین این دو کشور نیز نمی‌توانیم منتفع شویم. در صورتی که چنین فرضی را هم بپذیریم خیلی مایل نیستیم به این تاثیر بپردازیم؛ زیرا این موضوع که نقش کارت بازرگی را در دست یکی از طرفین داشته باشیم و با کارت ما از یکدیگر امتیاز بگیرند چندان جالب نیست. بنابراین کسانی که به دنبال این تاثیرات هستند بهتر است که روابط بین الملل را تا این حد ساده نگیرند که فکر کنند از جنگ تجاری بین چین و آمریکا ما می‌توانیم بهره‌مند شویم.

در دیپلماسی تجاری و سیاسی باید همه امور را از منظر منافع ملی خودمان بسنجیم، دستگاه دیپلماسی باید تمامی فرصت‌ها را رصد و بر اساس شرایط موجود تصمیم درست را اتخاذ کند؛ اما نباید به این مسئله دامن زده شود.

مسئله روشن نشود که منابع ذکر شده در خبر رسانه‌های خارجی هستند که اطلاعات موثقی ندارند. بعد از آن باید به این نکته توجه داشت که وزارت خارجه چین اعلام کرده است که ما تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران را نمی‌پذیریم. در رویکرد دیگر وزارت بازرگانی چین اعلام کرده است که یکن به روابط تجاری با تهران ادامه می‌دهد و این در حالی است که اظهار نظرهای پیش گفته به صورت رسمی از سوی دولت چین اعلام شده و در مقابل وزارت نفت ایران هم خاطر نشان کرده که فروش نفت به چین ادامه دارد.

در ۲۵ سال گذشته تجارت ایران و چین افزایش داشته و همین روند نیز ادامه خواهد داشت. چین پل عبور از تحریم‌ها و شاهراه اصلی اقتصاد ایران است و فعال کردن دیپلماسی اقتصادی بین دو کشور می‌تواند مانع ایجاد بن‌بست در اقتصاد ایران شود

بنابراین قطعا در شرایط تحریم اطلاعات ضد و نقیض زیادی مخابره می‌شود که تنها منابع خبری که مربوط به خریدار یا فروشنده هستند را می‌توان منابع موثقی تلقی کرد. در این شرایط نیز دو طرف یعنی ایران و چین به استمرار روابط تجاری و بازرگانی خود که نفت هم جزو این اقلام است تاکید کرده‌اند بنابراین نباید این خبرها را جدی گرفت.

■ **نیمه طلائی تجارت ایران با چین بر اساس آمار اعلام شده رو به افول است؛ چین به عنوان بزرگترین شریک تجاری کشور، بیشترین کاهش واردات به ایران را به نام خود ثبت کرده است. آماري که از سوی گمرک این کشور منتشر شده، نشان می‌دهد مبادلات تجاری ایران و چین در نخستین ماه سال جاری میلادی با افت بیش از ۵۴ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل همراه بوده و به یک میلیارد و ۷۴۳ میلیون دلار رسیده است. این در شرایطی است که تجارت ایران و چین در ژانویه سال ۲۰۱۸ بیش از سه میلیارد ۸۲۷ میلیون دلار گزارش شده بود. فارغ از بحث تحریم‌ها، نبود یک استراتژی منسجم صادراتی چقدر در کاهش روابط تجاری بین دو کشور تاثیر گذار است؟**

به دلیل کاهش صادرات نفت ایران به چین طی ماه‌های نوامبر، دسامبر و ژانویه، این کاهش واردات طبیعی است. این رویداد به دو دلیل رخ داده است نخستین دلیل، پایین آمدن حجم صادرات نفت به چین به دلیل تحریم‌های آمریکا است و دلیل دوم کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی است تا آنجا که قیمت نفت نسبت به ژانویه سال ۲۰۱۸، کاهش محسوس داشته است که این دو مورد باعث شده رقم مبادلات ایران با چین کاهش را ثبت کند. از اردیبهشت سال جاری تا کنون روند واردات ایران در مجموع کاهش یافته، به دلیل دولت با هدف محدود کردن تقاضا برای ارز، جلوگیری از واردات را گرفته است.

استفاده از ظرفیت همسایگان در حال حاضر می‌تواند تاکتیک مناسبی باشد و حتی می‌تواند به استراتژی ما نیز تبدیل شود، طبیعتاً راحت‌ترین مبادله برای ما با کشورهایی است که مرز مشترک داریم و نمی‌خواهیم در فضای بین‌المللی حمل و نقل و مبادله کالا داشته باشیم. بنابراین استفاده از پتانسیل کشورهای همسایه در تمامی شرایط صلح، جنگ، رونق یا رکود باید در اولویت‌های نخست مافرا قرار گیرد.

■ **چندی پیش رویترز به نقل از یک منبع نفتی گزارش داد که شرکت پتروشیمی چین (سینوپک) و شرکت ملی نفت چین، دو شرکت دولتی که بزرگترین پالایشگاه‌های نفت این کشور را در مالکیت دارند، در ماه جاری میلادی از خرید نفت از ایران خودداری کرده‌اند. به گفته منابع نفتی، دلیل تصمیم دو شرکت بزرگ چینی در خودداری از خرید نفت ایران نگرانی از قرار گرفتن در معرض تحریم ثانویه ایالات متحده بوده است؛ آیا احتمال به صفر رسیدن فروش نفت ایران به این کشور وجود دارد؟** برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید این

بیش از دیگر کشورها حمایت کرده است. رابطه تجاری ما با آمریکا به عنوان اولین قطب اقتصاد جهان تقریباً صفر است؛ پس ظرفیت‌هایی که کشورهای دیگر در تجارت با آمریکا دارند در کشور ما به تجارت با چین منتقل می‌شود.

روند مبادلات و تجارت ایران با چین در سال‌های اخیر یک سیر صعودی و روبه رشد داشته، چه آن زمان که حرفی از تحریم‌ها نبود و چه در زمان برجام و بعد از اعمال تحریم‌های مجدد، در تمام این سال‌ها رابطه تجاری ایران و چین یک رابطه متوازن و رو به رشد بوده و تا امروز هیچ اتفاقی بر رابطه تجاری ما با چین اثر منفی نداشته است.

رابطه اقتصادی ایران و چین یک رابطه مکمل است. چین به مواد اولیه و انرژی نیاز دارد و ما فروشنده عمده مواد اولیه و انرژی به دنیا هستیم. چین بیشترین کالای ساخته شده و تکنولوژی و ماشین‌آلات را صادر می‌کند و بیش از ۸۰ درصد از واردات ما مربوط به همین کالاهاست پس اقتصاد ایران و چین یک رابطه مکمل با هم دارند و روابط سیاسی نقش خاصی در روابط تجاری این دو کشور ندارد.

چین بزرگترین تاجر دنیا و دومین اقتصاد برتر جهان است. در خاور میانه بعد از عربستان و امارات ما سومین شریک تجاری چین محسوب می‌شویم و دو کشور عربستان و امارات از نظر سیاسی در نقطه کاملاً متضاد با ما قرار دارند؛ امارات رابطه تجاری ما با چین از مناقشات با این دو کشور تاثیر نمی‌گیرد.

بنابراین برای گذر از تحریم‌های اقتصادی باید رویکردهای جدید مورد استفاده قرار گیرد، کانال‌های مالی از جمله اینستکس، صندوق‌های تهاتر بین کشورها، استفاده از پول ملی یا قراردادهای ترجیحی با همسایگان می‌تواند ما را برای عبور از موانع تحریمی یاری کند. به نظر من استفاده از ظرفیت کشورهای آسیایی برای عبور از بحران تحریم‌ها باید یکی از مهمترین استراتژی‌های سیاستگذاران اقتصادی باشد؛ اما مهمتر از آن تحکیم روابط تجاری با کشورهایمانند چین و روسیه است که می‌توانند در این زمینه راهگشا باشند.

■ **گفته می‌شود که چین پادزهر اقتصادی ایران در برابر آمریکا است؛ اما آیا رویکرد احتیاطی چین بعد از تحریم‌ها و روند نزولی مبادلات، نشان از تحریم‌پذیری اقتصاد ایران دارد؟** اقتصاد ایران صدرصد تحریم‌پذیر نیست. شاید در سال‌هایی میزان ارزش معاملات تجاری ایران با چین کاهش یافته باشد، اما به‌طور کلی و در مجموع روند مبادلات اقتصادی دو کشور نزولی نبوده است؛ ضمن اینکه همانطور که اشاره کردم، کاهش قیمت جهانی نفت یا سایر مواد خام همانند آهن از مهمترین عوامل کاهش ارزش معاملات تجاری ایران با چین است که نباید تاثیر آنها را در کنار تحریم‌ها نادیده گرفت. چین در شش سال گذشته، شریک اول تجاری ایران بوده و در واقع در حالی که بزرگترین مبدا کالا به ایران محسوب می‌شود اولین مقصد تجاری ایران نیز است.

اشکال عمده آمار اعلامی از تجارت دو کشور این است که ماهانه اعلام می‌شود، در حالی که هیچ‌گاه نمی‌شود آمار یک ماهه را مبنای تجارت قرار داد. برای رسیدن به تحلیل درست از شرایط تجاری بین دو کشور باید تا پایان سال میلادی صبر کرد تا آمار گمرک چین و ایران منتشر شود. در این مورد آمارهایی که در مقاطع فصلی و یا ماهانه منتشر می‌شود قابل استناد نیست زیرا به هر دلیلی می‌تواند در آن فصل اتفاقاتی افتاده باشد که روند آمار را به شکل نامتناسبی تغییر دهد.

به اعتقاد من، رویکرد مثبت چین در تحریم‌های قبلی و فعلی نسبت به تجارت با ایران توانسته است پاسخگوی بخش مهمی از نیازهای صادراتی و وارداتی ایران باشد. مسائل سیاسی می‌تواند بر تجارت میان دو کشور تاثیر داشته باشد، اما چین از نظر تجاری و اقتصادی کشور بزرگی است و چندان از وقایع سیاسی تاثیر نمی‌گیرد مگر اینکه مزیت‌های اقتصادی دو کشور نسبت به هم ضعیف شود. نکته دیگر اینکه در تمام سال‌های گذشته چین از منافع سیاسی ما



■ **با توجه به اعمال تحریم‌های گسترده‌تر آمریکا و انفعال اروپایی‌ها برای ایجاد کانال مالی، چین همچنان به عنوان یکی از قدرتمندترین شرکای ایران مطرح است. در این زمینه آینده روابط سیاسی و اقتصادی ایران و چین را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟**

پس از توافق هسته‌ای سال ۹۴، یکی از انتظارات شکل گرفته در اذهان عمومی این بود که با رفع تحریم‌ها همکاری شرکت‌های ایرانی و اروپایی افزایش پیدا می‌کند و کالای با کیفیت اروپایی جای کالاهای چینی را می‌گیرد یا اینکه طرف قراردادهایمان در پروژه‌های مختلف که غالباً شرکت‌های چینی بودند جای خود را به شرکت‌های اروپایی می‌دهند.

با خروج یکجانبه آمریکا از برجام و آغاز دور جدیدی از تحریم‌های آمریکایی علیه کشورمان، چند شرکت اروپایی که در این مدت کوتاه وارد بازار ایران شدند مانند ایرباس، توتال، پژو... عقب‌نشینی کردند. هر چند که دولت و بخش خصوصی در دوره پس‌برجام قصد کنار گذاشتن شریک سنتی و دیرینه خود را از تجارت و روابط اقتصادی نداشتند اما با باز شدن درهای تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران به روی دنیا، سایر شرکت‌های خارجی هم وارد این بازار شدند و عرصه برای فعالیت چینی‌ها تنگ شد.

از آنجایی که در چند دهه گذشته به دلیل تحریم‌ها کمتر شاهد سرمایه‌گذاری مستقیم اروپایی‌ها بودیم، در این دوره انتخاب اول در بین سرمایه‌گذاران، اروپایی‌ها بودند اما چینی‌ها حذف نشدند.

رابطه ایران و چین در تمام ادوار رو به رشد بوده و با سیاست‌های بین‌المللی و داخلی ایران چندان ارتباطی ندارد. در بحث اقتصادی و تجارت خارجی ایران و چین مکمل هم هستند. ما در منطقه خاور میانه، سومین شریک چین به شمار می‌رویم و عربستان و امارات، شریک اول و دوم ما هستند که با غرب آمریکا هم مشکلات سیاسی ندارند. از سوی دیگر با بررسی تجارت خارجی در ۲۰ سال گذشته شاهد خواهیم بود که قبل از شروع تحریم‌های هسته‌ای، در جریان تحریم‌های

آمار سال گذشته میلادی نشان می‌دهد که تغییر محسوس و قابل ملاحظه‌ای در روابط تجاری ما با چین رخ نداده است. توجه به این نکته ضروری است که تا این تاریخ در مجموع چین هم در صادرات غیر نفتی و هم واردات شریک اول ایران است؛ ضمن اینکه در خرید نفت از ایران نیز رتبه اول را دارد. بر این اساس به طور مطلق مناسبات تجاری بین دو کشور کاهش پیدا کرده است و به طور نسبی چین جایگاه‌اش را در بین شرکای ما هنوز در مقام اولین حفظ کرده است. بر این اساس اقتصاد ایران صدرصد تحریم‌پذیر نیست، اما نباید تاثیر تحریم‌ها را بر معیشت مردم نادیده گرفت.

■ **قبل از شروع تحریم‌های هسته‌ای، در جریان تحریم‌های قبل از برجام، در فرآیند برجام، بعد از برجام و حتی اکنون که شکل برجام تغییر کرد؛ روند اقتصادی ما با چین تغییر محسوسی نداشته و می‌توان گفت در صورت فاصله گرفتن اروپایی‌ها از بازار ایران، این فرصت پیش از گذشته در اختیار چینی‌ها قرار خواهد گرفت**

بنابراین آنچه که مقامات رسمی چین اعلام می‌کنند تحریم‌های رئیس‌جمهور آمریکا را به رسمیت نمی‌شناسند و بر این باورند که رابطه تجاری خود با ایران را حفظ کنند اما اگر بخواهیم در یک ارزیابی بگوییم که شرایط تجاری صدرصد مانند زمان قبل از تحریم‌هاست این برداشت غیر منطقی است زیرا به قاعده تحریم‌ها اثر خود را می‌گذارد. در این زمینه خیلی از شرکت‌ها به‌رغم راه‌دولت خود می‌توانند در رفتار تجاری خود با ایران تجدید نظر کنند زیرا منافع خاصی در اقتصاد آمریکا دارند که برای حفظ آن الزام دارند که از بازار ایران فاصله بگیرند. اما در مجموع رابطه تجاری ایران با چین به نسبت سایر کشورها از سطح قابل قبولی برخوردار است که البته به مفهوم وضعیت ایده‌آل نیست.

چین پیش از این نیز اعلام کرده بود که اگر بتواند نفت را با یوان از ایران بخرد مشکلاتی نخواهد داشت. این کشور به‌طور ویژه در بحث خرید نفت تحریم‌های آمریکا را در آینده نیز نادیده خواهد گرفت و همچنان به خرید نفت از ایران ادامه خواهد داد

قبل از برجام، در فرآیند برجام، بعد از برجام و حتی اکنون که شکل برجام تغییر کرده و یکی از شرکای آن خارج شده است، روند اقتصادی ما با چین تغییر محسوسی نداشته و در دو دهه اخیر رو به رشد بوده و به عبارتی می‌توان گفت در صورت فاصله گرفتن اروپایی‌ها از بازار ایران، این فرصت پیش از گذشته در اختیار چینی‌ها قرار خواهد گرفت. زیرا اولویت اول چین، توسعه اقتصادی است. اما در این سوی ماجرا دستنگاه دیپلماسی سیاسی و اقتصادی و سیاستگذاران بیشتر نگاه‌شان سیاسی است به همین دلیل بازرگانی را فرغ بر سیاست می‌دانند و این در حالی است که طرف‌های چینی خودشان را با چالش‌های سیاسی درگیر نکرده و تنها گسترش اقتصاد کشورشان را مدنظر قرار می‌دهند.

تا کسب می‌کنم که با توجه به شرایط بین‌المللی و تحریمی گاهی ممکن است میزان مبادلات با کسری مواجه شود، اما هیچ‌گاه قطع نمی‌شود و به عنوان شریک استراتژیک با چین همواره این روند ادامه خواهد داشت. بر روز برخی اختلاف‌نظرها نیز در بحث تجارت امری عادی است. ما هر دو کشور با آفاق برنامه توسعه‌ای، به تداوم این دیپلماسی اقتصادی و سیاسی خوش بین هستیم.

ایران در سال‌های قبل و بعد از برجام در تمامی قراردادهای با طرف‌های چینی همانگونه عمل کرده است که با دیگر کشورها، در این زمینه حتی در استفاده از فاینانس‌های چینی، ایران بسیار سخنگویانه برخورد کرد و به سرعت از این پیشنهاد استقبال نند.

در مجموع باید به این نکته توجه داشت که چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان و یک بازیگر اصلی در اقتصاد جهانی امکانات بی‌شماری را در حوزه تکنولوژی‌های روز دنیا دارد که در این زمینه می‌تواند پاسخگوی نیازهای اقتصادی ما باشد؛ بنابراین چنانچه نگاه خود را از غرب برداریم و منتظر رفتارهای منفعلانه آنها نباشیم می‌توانیم بر امکان دریافت تکنولوژی از چین تمرکز کرده و از نظر کیفی روابط خود را توسعه بدهیم.

از سوی دیگر چین بزرگترین خریدار نفتی ما است و ایران ۲۵ درصد نفت خود را به چین می‌فروشد که در زمان تحریم این رقم تا ۴۵ درصد کل تولید و صادرات ایران هم پیش رفته بود. در صادرات غیر نفتی ۲۴ درصد صادرات به چین است و ۲۵ درصد از واردات ما از این کشور صورت می‌گیرد. پس باید قبول کرد که از مجموع دریافت‌های ارزی ما، بالای ۳۰ درصد از منابع ارزی از طریق چین استحصال می‌شود. بر این اصل برای گردش مالی خود و رفع نیازهای کشور، باید مکانیزم‌های کاملاً معقول و قابل رصد برای نهادهای نظارتی طراحی شود که به سرنوشت دوره قبل دچار نشویم.

اقتصاد چین به‌گونه‌ای طراحی شده که مکمل اقتصادهای انرژی‌محور است و به اعتقاد من هیچ نوع تنش یا تحول سیاسی نمی‌تواند اقتصاد ما را که انرژی‌محور است از اقتصاد چین جدا کند و این دو مکمل یکدیگرند. بر این اساس در ۲۵ سال گذشته تجارت ایران و چین افزایش داشته و همین روند نیز ادامه خواهد داشت. چین پل عبور از تحریم‌ها و شاهراه اصلی اقتصاد ایران است و فعال کردن دیپلماسی اقتصادی بین دو کشور می‌تواند مانع ایجاد بن‌بست در اقتصاد ایران شود.

